

لباس شوئی

(خانم بشیر با طاهر و پروین وارد لباس شوئی می شوند)

صاحب لباس شوئی: بفرمائید خانم، خوش آمدید، چه امری دارید؟

خانم بشیر: آقا چند روز پیش یک دست لباس شوهرم را برای خشک شوئی فرستاده بودم. امیدوارم که حاضر شده باشد.

صاحب لباس شوئی: حتماً، قبض دارید؟

خانم بشیر: بلی آقا (کیفش را باز می کند و چیزی از آن در می آورد) بفرمائید. این هم قبض.

صاحب لباس شوئی: (به قبض نگاه می کند و یک نفر را صدا می زند)

آقای یوسف! لطفاً این قبض را بگیرید و لباس مردانه قهوه ای رنگ را بیاورید.

(رو به خانم بشیر) دیگر فرمایشی نیست؟

خانم بشیر: چرا! ما لباسهای زیادی داریم که باید برای خشک شوئی و سفید شوئی بدهیم. بشرط اینکه هر چه زود تر پس بدهید.

صاحب لباس شوئی: خانم! خاطر جمع باشد، ما هم ماشین خشک شوئی داریم و هم ماشین سفید شوئی. ما سرویس عادی نداریم. سرویس ما فوری است. انشاء الله فردا همین ساعت همه لباسهایتان حاضر است.

خانم بشیر: اگر این طور است. بفرمائید چهار تا ملافه، سه تا رُو بالش، دو تا رُو میز، دو تا پیراهن تابستانی، سه تا پیراهن مردانه و دو تا پیراهن زنانه، این ها را سفید شوئی کنید. این جلیقه، جوراب، دستکش و کلاه پشمی را خشک شوئی کنید. و این لباس خواب و پالتو را فقط اُطو کنید. (رُو به طاهر و پروین) بچه ها شما اگر کاری دارید بگوئید.

طاهر: چشم مادر جان! (رُوبه صاحب لباسشونی) آقا بفرمائید این دو تا پیراهن دو تا زیر پیراهن دو تا زیر شلواری برای سفید شونی و این گت و شلوار و کراوات برای خشک شونی. لطفاً مواظب دکمه ها باشید. نکنند پاره شود.

صاحب لباسشونی: خیالتان راحت باشد.

طاهر: لطفاً پاچه شلوار را رفو کنید.

صاحب لباسشونی: چشم! اطاعت می شود.

پروین: (رُوبه مادر) مادر جان! می خواهم، این بلوز سفید من رنگی بشود.

خانم بشیر: دخترم! چه رنگی می خواهید، مشکی، آبی، سبز، زرد، قرمز یا

قهوه ای؟

پروین: رنگ سبز

خانم بشیر: برای بچه ها سبز تیره خوب است.

(رُوبه صاحب لباسشونی)

آقا، لطفاً این بلوز سفید را به رنگ سبز در بیاورید. مواظب باشید که رنگش ثابت باشد.

صاحب لباسشونی: مطمئن باشید. لطفاً نام و نشانی تان را روی این قبض

بنویسید. (خانم بشیر نام و نشانی خود را روی قبض می نویسد و یک برگ آن را

توی کیف می گذارد.)

خانم بشیر: خوب آقا! با اجازه شما

صاحب لباسشونی: خوش آمدید

(دکتر آفتاب اصغر)

فرہنگ

لباسشونی : لائڈری، ڈرائی کلیٹنگ کی دکان	یک دست لباس : ایک عدد سوٹ
خشک شونی : ڈرائی کلیٹنگ	حاضر : تیار
قبض : رسید	کیف : پرس، ہتھوڑ
چرا : کیوں نہیں	سفید شونی : دھلائی
ہرچہ زودتر : جتنی جلدی ہو سکے	ماشین : مشین
عادی : عام	فوری : ارجنٹ
ملافہ : (ملحفہ) چادر	روبالش : نیکے کا غلاف
رومیز : میزپوش	پیراھن تابستانی : بشرٹ
جلیقہ : واسک	پالتو : اوورکوٹ
فقط اطو کنید : صرف استری کیجیے۔	زیر پیراھن : بنیان
زیر شلواری : انڈروی	گت و شلواری : کوٹ پتلون
کراوات : نکائی	بلوز : جری
آبی : نیلا	قرمز : سرخ
ثابت : پکا، پختہ	نشانی : پتا، ایڈریس
یک برگ : ایک ورق	
مواظب دکمہ ہا باشید : ہٹوں کا خیال رکھیے۔	
نکند پارہ شود : ایسا نہ ہو کہ ٹوٹ جائیں۔	